



## بشارت ظهور امام عصر(عج) در کلام امام عسکری(ع) / تعبیر مجلسی اول درباره یک تفسیر

حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور ضمن اشاره به ویژگی‌های امام حسن عسکری(ع) به نقد و بررسی ادله موافقان و مخالفان تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) پرداخت.

حجت الاسلام علی اکبر مهدی پور ضمن اشاره به ویژگی‌های امام حسن عسکری(ع) به نقد و بررسی ادله موافقان و مخالفان تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) پرداخت.

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر مهدی پور، مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم و پژوهشگر دین به مناسبت سالروز ولادت امام حسن عسکری(ع) در گفت و گو با ایکننا به توضیح درباره شخصیت آن امام همام پرداخت.

وی در ابتدا به مواردی درباره شرایط زندگی آن حضرت و کرامات ایشان اشاره کرد و گفت: امام حسن عسکری(ع) در سال ۲۳۲ قمری متولد شدند و در سال ۲۳۴ در محضر پدر بزرگوارشان وارد سامرا شدند. ایشان ۲۸ سال عمر کردند و کل دوران امامتشان ۶ سال بوده است. ایشان همه عمرشان در سامرا بودند، سامرا در واقع زندان بود چون پادگان نظامی بود.

وی افزود: روزی حضرت در زندان به هم بند خود فرمودند آیا پسر داری؟ زندانی پاسخ داد بله. بعد حضرت فرمود: کسی که بازوی پرتوانی دارد انتقامش را می گیرد. زندانی سوال کرد شما هم پسر دارید؟ حضرت فرمودند بله، ولی هنوز متولد نشده است. بعد حضرت برای اثبات سخن خود فرمودند شما در فلان ساعت، فلان روز، فلان مکان متولد شدید. حضرت خواستند به این بیان به او بفهمانند من فرزند دارم، ولی هنوز متولد نشده است کما اینکه امام رضا(ع) تا ۴۶ سالگی فرزند نداشت و می فرمودند فرزند دارم ولی هنوز متولد نشده است. به ایشان عرض کردند از شمشیر هارون خون می چکد، کنایه از اینکه شما را شهید خواهد کرد، ولی حضرت در پاسخ فرمود اگر بتواند تار مویی از سر من کم کند من امام نیستم. این قاطعیت برای این بود که ایشان می دانست تا امام جواد(ع) متولد نشده، شهید نخواهد شد. امام حسن عسکری(ع) هم یقین داشت تا زمانی که امام زمان(عج) متولد نشده است به شهادت نمی رسد. با این حال امام حسن عسکری(ع) چندبار مورد سوء قصد قرار گرفت ولی خداوند جان ایشان را نجات داد. در همین رابطه حضرت فرمودند اینهایی که خیال می کردند می توانند مرا بکشند تا نسل مرا قطع کنند قدرت خدا را چگونه دیدند.

وی در ادامه به کرامات آن حضرت اشاره کرد و گفت: به زندانیان حضرت گفتند بر آن حضرت سخت بگیرد. زندانیان در پاسخ گفت من دو نفر از شقی ترین افراد را بر او گماشتم ولی هر دو اهل عبادت شدند. به همین جهت دستور دادند حضرت را در محلی که برای نگهداری حیوانات درنده بود نگه دارند ولی حضرت در همان جا نیز به عبادت پرداختند. همچنین در زمان امام حسن عسکری(ع) مردم می خواستند نماز استسقا بخوانند. سه روز نماز خواندند ولی باران نیامد. در روز چهارم شخصی غیر مسلمان آمد و تا دست بلند کرد باران آمدند. مسلمانان از این اتفاق دچار هراس شدند و به امام خبر رساندند و گفتند امت جدت را دریاب. حضرت دستور دادند بروید آنچه بین انگلستان او است را از او بگیرید. غلامان دیدند تکه استخوانی لای انگلستان اوست. وقتی آن را گرفتند دیگر باران نیامد. از حضرت سوال شد این استخوان چیست؟ حضرت فرمودند استخوان پیامبری از پیامبران الهی است. تفسیر عسکری؛ در کشاکش اثبات و انکار

استاد حوزه علمیه در ادامه گفت و گو به بررسی اعتبار تفسیر عسکری پرداخت و گفت: در مورد این تفسیر دو قول وجود دارد. هر قائل هم به شدت از نظر خودش دفاع می کند. یک عده این تفسیر را رد می کنند و می گویند این کتاب مجعول است. ابن غضائری در رد این کتاب می گوید دو نفر مجعول در سند کتاب واقع شده اند و به همین جهت به نقل اینها اعتباری نیست. علامه حلی نیز نظر او را تأیید کرده است. محقق اردبیلی، محمدجواد بلاغی، تستری، شعرانی و آیت الله خویی هم این نظر را تأیید کردند. اینها افرادی بودند که به شدت با این کتاب برخورد کردند و گفتند مجعول است البته آیت الله خویی تعبیر مجعول را به کار نبردند.

وی ادامه داد: در راس کسانی که این کتاب را قبول دارند و از آن روایت نقل کردند شیخ صدوق است. شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه از این کتاب حدیث نقل می کند. شیخ صدوق در اول کتاب خودش نوشته است من در این کتاب فقط روایاتی را نقل می کنم که بین خود و خدا حجت می دانم، لذا نقل حدیث از این تفسیر در من لایحضره الفقیه، مستند مهمی است. همچنین ایشان در کتاب توحید، عیون الاخبار، کمال الدین، امالی، علل الشرایع و معانی الاخبار از این کتاب حدیث نقل کرده است. پس شیخ صدوق کاملاً به این کتاب اعتماد کرده است.

وی تصریح کرد: مرحوم طبرسی نیز در کتاب احتجاج از این تفسیر روایت نقل کرده است. قطب راوندی از این کتاب حدیث نقل کرده است. ابن شهر آشوب از این کتاب حدیث نقل کرده و آن را به طور قطع به امام نسبت داده است. شهید ثانی نیز در یکی از آثارش فصلی را به تفسیر منسوب امام عسکری(ع) اختصاص داده و از آن روایت نقل کرده است. محقق کرکی در اجازاتی که به افراد داده از این کتاب حدیث نقل کرده و به افراد اجازه نقل روایت داده است. مجلسی اول در کتابش نوشته هر کس کوچکترین آشنایی با کلام ائمه دارد یقین پیدا می کند این کتاب برای معصوم است. ایشان با عنوان امام حسن عسکری(ع) کار ندارد ولی می گوید این کتاب برای معصوم است. بعد تعبیر عجیبی دارد و می گوید این تفسیر گنجی از گنجینه های پروردگار است.

علامه مجلسی نیز در بحار الانوار وقتی به این کتاب می رسد می گوید شیخ صدوق بر آن اعتماد کرده هرچند برخی در آن شبهه کردند ولی شیخ صدوق زمانش به معصوم نزدیکتر است و به کلمات معصومین آشناتر است. شیخ حر عاملی هم می فرماید شیخ صدوق که رئیس المحدثین است به این کتاب اعتماد کرده است. فیض کاشانی نیز در تفسیر صافی به این کتاب اعتماد کرده است. سیدهاشم بحرانی نیز از آن حدیث نقل کرده است. شیخ انصاری هم در کتاب رسائل حدیثی از این کتاب نقل کرده است. آقابزرگ طهرانی هم ده صفحه درباره این کتاب مطلب نقل کرده است و نقل ابن غضائری را نقد کرده است و گفته به تضعیفات غضائری اعتماد نیست.

وی در پایان گفت: نتیجه اینکه اولاً اگر بگویم همه کتاب برای معصوم است درست نیست و شاید نتوانیم اثبات کنیم هرچند نظر بسیاری از مثبتین این است که کل کتاب از امام است. همچنین اینکه بگویم کل کتاب جعلی است دروغ فاحشی است. ممکن است کسی بگوید کتاب ضعیف است ولی ضعیف بودن یک حرف است، جعلی بودن یک حرف. هر کتابی مطالب قوی و ضعیف دارد. حتی در اصول کافی هم روایت ضعیف داریم الا اینکه اکثر روایاتش قوی است. بنابراین هرگز در این کتاب مطلب جعلی وجود ندارد بلکه در این کتاب احادیث قوی و ضعیف داریم و از این نظر مانند سایر منابع حدیثی است.